



Human Interests from the Perspective of Rule Utilitarianism and Expediency Jurisprudence



ARTICLE INFO

Article Type

Original Research

Authors

Karimi S.*

Department of Moral Philosophy,
Faculty of Philosophy, University
of Religions and Denominations,
Qom, Iran

Aghajani M.

Department of Fiqh and Usul, Qom
Seminary, Qom, Iran

How to cite this article

Karimi S, Aghajani M. Human Interests from the Perspective of Rule Utilitarianism and Expediency Jurisprudence. Philosophical Thought. 2024;4(2):91-107.

ABSTRACT

Interests are divided into three categories of validity; valid, invalid, and unrestricted. Utilitarianism is divided into two categories: act utilitarianism and rule utilitarianism. In act utilitarianism, the greatest benefit for the greatest number of individuals is weighed according to specific situations, while in rule utilitarianism, adherence to moral rules is considered without exception. In expediency jurisprudence, one must act according to the rules, but in some specific cases, lower interests must be sacrificed to preserve higher interests. In rule utilitarianism, one must proceed according to the rules, and the rule is not subject to exceptions. The temporal criteria of interest, the material and spiritual nature of interests, and the consideration and non-consideration of religion and otherworldly interests are among the differences between utilitarianism and expediency jurisprudence. On the other hand, the principle of the primacy of repelling harm over attracting benefit has also been reinterpreted based on negative utilitarianism.

Keywords Rule Utilitarianism; Negative Utilitarianism; Expediency; Unrestricted Interests; Higher Interests; Moral Rules

CITATION LINKS

[A Group of Writers, 2013a] MOALEMATO ZAYED LELGHAVAED AL-FAGHIH VA AL-OSULIAH (Volume 3); [A Group of Writers, 2013b] MOALEMATO ZAYED LELGHAVAED AL-FAGHIH VA AL-OSULIAH (Volume 4); [Acton & Watkins, 1963] Negative utilitarianism; [Al-Bouti, 2018] ZAVABET AL-MASLAHA FI SHARIAT AL-ISLAMIA; [Al-Ghazali, 2014] AL-MUSTASFA MEN ILM AL-USUL; [Al-Khorasani, 2022] KIFAYAT AL-USUL; [Al-Risoni, 1997] The goals of religion from Shatabi's point of view; [Al-Risoni, 2010] MADKHAL ELA MAQASID AL-SHARIA; [Al-Risoni, 2014] MOHAZERAT AL-MAQASID AL-SHARIA; [Al-Shatibi, 1997] AL-MUWAFQAT (Volume 2); [Al-Shatibi, 2000] AL-ETISAM (Volume 3); [Brandt, 1959] Ethical theory: The problems of normative and critical ethics (Chapter 15); [Driver, 2012] Consequentialism; [Driver, 2014] The history of utilitarianism; [Frankena, 2013] Ethics; [Hallaq, 1997] A history of Islamic legal theories: An introduction to Sunni Usul al-Fiqh; [Harsanyi, 1985] Rule utilitarianism, equality, and justice; [Hobbollah, 2019] FIQH AL-MASLAHAH; [Ibn Ashour, 2004] MAGASID AL-SHARIA AL-ISLAMIAH (Volume 2); [Kant, 2022] Foundation for the metaphysics of ethics; [Masoud, 2015] The philosophy of Islamic law; [Mill, 2019] Utilitarianism; [Mirza Al-Qumi, 2018] GHAVANIN AL-USUL; [Mulgan, 2021] An introduction to the understanding of utilitarianism; [Ouda, 2018] MAQASID AL-SHARIA for beginners; [Pojman & Fieser, 2011] Ethics: Discovering right and wrong; [Popper, 2017] The open society and its enemies; [Qarzewi, 2000] Principles of political jurisprudence; [Qarzewi, 2013] Research on the jurisprudence of the MAGASID AL-SHARIA; [Rawls, 2021] A theory of justice; [Shafer-Landau, 2022] Living ethics: An introduction with readings (modern ethics: Ethical theories); [Smart, 1956] Extreme and restricted utilitarianism; [Smart, 1958] Negative utilitarianism; [Suyuti, 1983] AL-ASHBAH WA AL-NAZAER FE AL-NAHV; [Taskhiri, 2010] AL-GHAVAED AL-OSULIAH VALFAGHIH (Taskhiri); [Tavakkoli, 2023] Consequentialist ethics; [Warburton, 1999] Philosophy: The basics; [West, 2013] J. S. Mill;

*Correspondence

Address: University of Religions and Denominations, Beginning of Shahid Molavi Boulevard, Imam Sadegh (AS) Boulevard, Pardisan, Qom.
Postal Code: 3749113357
Phone: +98 (25) 32802610
Fax: +98 (25) 32802627
karimiyahosein@gmail.com

Article History

Received: January 3, 2024
Accepted: June 23, 2024
ePublished: July 18, 2024

نوع مقاله: پژوهشی اصیل

مصالح بشری از منظر فایده‌گرایی قاعده‌محور و فقه مصلحت‌محور

سعید کریمی*

گروه فلسفه اخلاق، دانشکده فلسفه، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران

محمد آقاجانی

گروه فقه و اصول، حوزه علمیه قم، قم، ایران

چکیده

مصالح از جهت اعتبار به سه دسته معتبر، غیرمعتبر و مرسله تقسیم می‌گردد. فایده‌گرایی از جهتی به دو دسته فایده‌گرایی عمل‌محور و قاعده‌محور تقسیم می‌گردد. در فایده‌گرایی عمل‌محور بیشترین سود برای بیشترین فرد با توجه به موقعیت‌های جزئی سنجیده می‌شود و در فایده‌گرایی قاعده‌محور رعایت قواعد اخلاقی مد نظر است؛ بدون اینکه استثنا بردارد. در فقه مصلحت‌محور باید طبق قواعد عمل کرد؛ اما چه بسا در موارد جزئی به خاطر حفظ مصالح بالاتر باید مصالح پایین‌تر را فدا کرد. در فایده‌گرایی قاعده‌محور باید طبق قواعد پیش رفت و قاعده استثنا‌بردار نیست. معیارهای زمانی مصلحت، مادی و معنوی بودن مصالح و توجه و عدم توجه به دین و مصالح اخروی، از جمله تفاوت‌های فایده‌گرایی و فقه مصلحت‌محور است. از سوی دیگر قاعده اولی‌بودن دفع مفسده از جلب مصلحت، نیز بر مبنای فایده‌گرایی سلبی بازخوانی شده است.

کلیدواژگان: فایده‌گرایی قاعده‌محور، فایده‌گرایی سلبی، مصلحت، مصالح مرسله، مصالح اهم، قواعد اخلاقی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۳	*نویسنده مسئول: karimiyahosein@gmail.com
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۳	آدرس مکاتبه: قم، پردیسان، بلوار امام صادق(ع)، دانشگاه ادیان و مذاهب.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸	تلفن محل کار: ۰۲۵۳۲۸۰۲۶۱۰؛ فکس: ۰۲۵۳۲۸۰۲۶۲۷

مقدمه

مصالح و مفساد جزو مباحثی است که در تمامی اعصار ذهن اندیشمندان را به خود جلب نموده است. در میان اندیشمندان مسلمان، به‌خصوص در میان علمای اهل سنت مطرح شده است. غزالی در کتاب‌های متعددی از جمله *المخول*، *شفاء الغلیل* و *المستصفی فی علم الاصول* و شاطبی در کتاب *الموافقات* به صورت گسترده به این امر پرداخته است.

نکته مهمی که غزالی و شاطبی به آن اشاره می‌کنند، این است که در تمامی شرایط و ملتها رعایت این مقاصد خمس شریعت مشترک است و همه ملل و نحل آنها را رعایت می‌کنند. [Al-Ghazali, 2014: 27; Al-Shatibi, 1997: 20] پس این مصالح در بین تمامی ملل و شرایط مورد اهمیت است.

فایده‌گرایی نیز ذیل شاخه پیامدگرایی مطرح گردیده و مشهورترین شاخه پیامدگرایی محسوب می‌گردد که معتقد است پیامد یک فعل، عامل اخلاقی‌شدن یک فعل می‌گردد. فایده‌گرایی هم گونه‌های مختلفی پیدا کرده است. از یک جهت به فایده‌گرایی عمل‌محور و قاعده‌محور تقسیم شده است. بنتام در کتاب *مقدمه بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری* به تشریح نظریه خود در باب فایده‌گرایی پرداخته است و از نظرات او فایده‌گرایی عمل‌محور استنباط می‌گردد. یعنی در این موقعیت و احوال جزئی کدام فعل پیامد مطلوب‌تری دارد؟ در کنار آن، برای سنجیدن پیامد یک فعل و اخلاقی‌بودن آن، ملاک‌های هفت‌گانه کمی‌نگرانه را مطرح کرد. اما با وارد آمدن اشکالاتی بر نظریه کمی‌نگرانه بنتام و فایده‌گرایی عمل‌محور، جان استوارت میل در کتاب فایده‌گرایی در کنار تشریح مبحث فایده‌گرایی به برخی از اشکالات هم پاسخ داده است. از جمله فایده‌گرایی کمی‌نگرانه بنتام را تبدیل به فایده‌گرایی کیفی‌نگرانه کرده و از لذات کمی به سمت لذات کیفی سوق پیدا کرده است.

در کنار این مباحث، با آوردن مثال‌هایی از هر دو مکتب و بیان‌کردن فایده‌گرایی عمل‌محور و قاعده‌محور و در کنار آن مصالح معتبر، ملغی و مرسله، با مقایسه میان فایده‌گرایی قاعده‌محور و مصالح مرسله، به این نتیجه می‌رسیم که در کنار تفاوت‌های موجود این دو مکتب، هر دو در اینکه باید بر مبنای قواعد جلو رفت، موافقت دارند؛ اما بر مبنای فقه مصلحت‌محور، گاهی اوقات به صورت نادر قواعد، تخصیص می‌خورند که موجب می‌گردد آنجا برای رعایت حفظ مصالح بالاتر و اهم، مصالح پایین‌تر و مهم کنار گذاشته شود. همچنین تخلف این‌گونه موارد جزئی، ضربه‌ای به کلی‌بودن قاعده نمی‌زند و معیار و ملاک در قاعده‌بودن، بر محور عرفی است نه بر محور فلسفی و دقت دقیق و ریز عقلی [Al-Shatibi, 1997: 83-85]. اما در فایده‌گرایی قاعده‌محور، قاعده به صورت مطلق بوده و تخصیص نخواهد خورد؛ حتی در مواردی که زیر پا گذاشتن قاعده موجب بیشترین سود برای بیشترین افراد گردد و البته از این جهت نیز بر فایده‌گرایی اشکالاتی وارد شده است. منبع فایده‌گرایی در بحث مصلحت، منبع سکولار و دنیایی است؛ چون فایده‌گرایی از مکاتب اخلاقی مدرن به شمار می‌رود. اما در فقه مصلحت‌محور بر مبنای منابع شریعت که قرآن و روایات باشد، جلو می‌رود. همچنین به مقایسه و تطبیق میان قاعده دفع مفسده اولی از جلب مصلحت است، با فایده‌گرایی سلبی نیز پرداخته شده است. از جمله تفاوت‌های مهم میان فقه مصلحت‌محور با فایده‌گرایی قاعده‌محور سه تفاوت مهم است که محمد سعید رمضان بوطی در رساله دکتری خود آنها را به صورت مفصل توضیح می‌دهد که عبارتند از اینکه در فقه مصلحت‌محور مصلحت هم شامل مصلحت دنیوی و هم اخروی است؛ اما در فایده‌گرایی فقط مصلحت دنیوی مد نظر است. دوم این که ارزش و قیمت مصلحت شرعی منحصر در لذت مادی نیست اما در فایده‌گرایی منحصر در لذت مادی و این جهانی است و سوم اینکه بر مبنای فایده‌گرایی قاعده‌محور اعتبار دین فرع بر مصلحت دنیوی است اما بر مبنای مصلحت اسلامی مصلحت دین پایه و اساس مصالح دیگر است [Al-Bouti, 2018: 30-61].

منابع فراوانی در زمینه فقه مصلحت‌محور به رشته تحریر درآمده است. در آثار غزالی از جمله *المستصفی*، *المنحول* و *شفاء الغلیل* مساله مصلحت و مفسده مطرح شده است. در کتاب *الموافقات* شاطبی، در کنار بیان مقاصد شریعت به فقه مصلحت‌محور هم پرداخته شده است. کتاب *قواعد الاحکام فی مصالح الانام* نوشته ابن عبدالسلام نیز در مباحث مصلحت و مفسده است. کتاب *فقه المصلحه* نوشته حیدر حب‌الله، *دایره المعارف معلمه* زاید تالیف گروهی از محققین و نویسندگان که در بخش‌هایی از آن به فقه مصلحت‌محور و قواعد فقه مصلحت پرداخته شده است. در کتب اصولی و فقهی تشیع نیز به بحث مصلحت و مفسده پرداخته شده است. کتاب فقه و مصلحت نوشته ابوالقاسم علی‌دوست نیز در فضای شیعی به رشته تحریر درآمده است. رساله دکتری محمد سعید رمضان البوطی که به صورت کتاب هم چاپ شده است، به بیان ضوابط مصلحت که پنج تا است، می‌پردازد و در کنار آن، تفاوت‌هایی را میان مکتب فایده‌گرایی غربی با فقه مصلحت‌محور بیان می‌کند.

در مبحث فایده‌گرایی نیز آثار نظریه‌پردازان آنها از جمله کتاب مقدمه بر *اصول اخلاق و قانون‌گذاری* بنتام، فایده‌گرایی جان استورات میل، *روش‌های اخلاق* نوشته هنری سیچویک موجود است. کتاب‌های مقدماتی در فلسفه اخلاق و فایده‌گرایی نیز به مبحث فایده‌گرایی و انواع و اقسام آن پرداخته است. *اخلاق‌شناسی نوین* نوشته شیفرلاندو ترجمه ابوالقاسم فنایی و ایمان عباس‌نژاد، *درآمدی به فهم فایده‌گرایی* نوشته تیم ملگان ترجمه بهنام خداپناه، *تاریخ فلسفه اخلاق* در سه جلد ویراسته راجر کریسپ و ترجمه جمعی از مترجمان زیر نظر محسن جوادی، کتاب *پیامدگرایی* جولیا درایور ترجمه شیرزاد پیک حرفه، کتاب *اخلاق پیامدگر* نوشته غلامحسین توکلی و مواردی از این قبیل است.

مصالح بشری از نگاه فقه المصلحه

مفهوم‌شناسی مصلحت

مصلحت به معنای جلب منفعت و دفع ضرر دانسته شده است [Qarzawi, 2000: 268]. مقصود از مصلحت، محافظت بر مقاصد شریعت بوده و مقاصد شریعت هم پنج تا است که این امور پنج‌گانه را غزالی در *المستصفی* و شاطبی در *الموافقات* مطرح کرده است؛ که عبارتند از حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال [Qarzawi, 2000: 268]. هر امری که موجب محافظت، دوام و پایداری این اصول پنج‌گانه گردد، مصلحت است و هر امری که موجب فوت این مصالح و ضربه‌زدن به آنها گردد، مفسده تلقی می‌گردد [Al-Ghazali, 2014: 275]. به اعتقاد بوطی مصلحت عبارت است از [Al-Bouti, 2018: 23]:

«منفعتی که شارع حکیم آن را قصد کرده است برای بندگانش، از جهت حفظ دین آنها و نفوس آنها و عقول آنها و نسل آنها و اموال آنها.»

مصلحت از جهت لغوی در مقابل مفسده قرار داده می‌شود. این مفهوم در نصوص کلامی و فقهی و اصولی به کار گرفته می‌شود. برخی علما هم آن را در معنای عرفی به کار می‌گیرند [Hobbollah, 2019: 32]. اما اگر از جهت تخصصی مورد بررسی قرار بگیرد، حب‌الله پنج معنا را برای آن برمی‌شمرد. اول، مصلحت در سیاق مفهوم لذت. به تعبیر دیگر هر امری که موجب لذت و راحتی شود، مصلحت است و عکس آن مفسده محسوب می‌گردد. دوم، معنای مصلحت در چارچوب مفهوم فضیلت. سوم، مصلحت به معنای فایده و منفعت به گونه‌ای که هر چیزی که برای انسان فایده داشته باشد، منفعت بوده و عکس آن مفسده است. مصلحت به معنای چهارم مقاصد و اغراض شارع در شرع، مد نظر است. حب‌الله مقصود علمای عدیدی از اهل سنت از مصلحت را همین معنای چهارم می‌داند که کسانی مانند غزالی همین معنا مد نظرشان است. پنجم، مصلحت به معنای حاجت و نیاز است. به این صورت که هر امری را که انسان به آن محتاج است، مصلحت بوده و عکس آن مفسده است [Hobbollah, 2019: 32-36].

اقسام مصلحت

مصالح بر مبنای درجه وضوح و قوتی که دارند، [Al-Risoni, 1997: 76] به سه دسته تقسیم می‌شوند:

مصالح ضروری

مصالحی که جهت حفظ مصالح دین و دنیا لازم بوده؛ به گونه‌ای که با فقدان این مصالح پایداری مصالح دنیوی مختل گردیده و در آخرت، سبب ازبین‌رفتن رستگاری خواهد گردید که عبارتند از حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال [Masoud, 2015: 254]. به عنوان مثال اصول عباداتی مانند نماز و روزه موجب حفظ دین از جنبه وجودی خواهد گردید [Al-Shatibi, 1997: 18-19]. در باب جنبه عدمی نیز توسط مجازات رفع آنچه مانع از تحقق مصالح می‌شود، صورت می‌پذیرد [Masoud, 2015: 254].

مصالح حاجیات

مصالحی هستند که در ارتباط با مصالح ضروری در رتبه دوم بوده و جزو لوازمات محسوب می‌گردند [Qarzawi, 2000: 270]. به عنوان مثال در مورد نماز و روزه تخفیف‌هایی را که شارع اعمال کرده است، مانند تیمم‌کردن در صورت نبودن آب، خوردن روزه و غیره. که در صورت فقدان این تخفیف‌ها سختی و مشقت بر مکلفین عارض خواهد گشت [Masoud, 2015: 255]. ضرورت حاجیات کمتر از مصالح ضروری است و

عدم تحقق حاجیات در زندگی انسان، مساله مرگ و زندگی نیست. به عنوان مثال اگر کسی ازدواج نکند، زندگی او با خطر روبه‌رو نمی‌شود [Ouda, 2018: 20].

مصالح تحسینی

مصالحی است که نه جزو دسته اول بوده و نه جزو دسته دوم؛ بلکه در ارتباط با موارد و مسایل اضافی و به عنوان آراستگی موجب زینت و زیبایی‌بخشیدن به مصالح دسته اول و دوم خواهد گردید [Qarzawi, 2000: 271]. و به عنوان اخلاقیات هم مطرح می‌گردد [Al-Shatibi, 1997: 22]. به اعتقاد قرضاوی مصالح مذکور، به عنوان قواعد سه‌گانه‌ای محسوب می‌شوند که پایه و بنیان شریعت هستند [Qarzawi, 2013: 136]. مصالح پنج‌گانه‌ای که ذکر گردید، پایه و اساس همه مصالح بوده و مصالح حاجتی خادم و مکمل ضروبیات و مصالح تحسینی نیز خادم و مکمل مصالح حاجتی است [Al-Risoni, 1997: 173].

مصالح از جهت اعتبار و عدم اعتبار

مصلحت را بنا بر تعریف غزالی از آن از جهت اعتبار و عدم اعتبار، به سه دسته می‌توان تقسیم‌بندی کرد. دسته اول مصالحی است که دلیل معتبر نقلی برای اعتبار آن در دسترس است. دسته دوم مصالحی است که دلیل نقلی برخلاف آن وجود دارد و دسته سوم مصالحی است که دلیلی بر اعتبار یا عدم اعتبار آن وجود ندارد که به آن مصالح مرسله گفته می‌شود [Al-Ghazali, 2014: 274-275]. احکام مصالح مرسله بر مبنای نفع مناسب عقلانی استنباط گردیده است ولی از حمایت دلیل نقلی برخوردار نیست [Hallaq, 1997: 112]. به اعتقاد ابن عاشور مصالح مرسله که در نزد برخی از اصولیون معروف به استصلاح است، مصلحتی است که دلیلی از شرع بر اعتبار یا الغای آن وارد نشده است [Ibn Ashour, 2004: 297]. دسته سوم در میان علمای اسلام مورد تردید و اختلاف است که آیا آن یا قبول کنند یا نه؟

از نظر بوطی حقیقت مصالح مرسله این است که «هر منفعتی که داخل در مقاصد شارع باشد؛ بدون اینکه برای آن شاهی به سبب اعتبار یا الغا وجود داشته باشد» [Al-Bouti, 2018: 330].

مصالح از جنبه شمولیت و گستردگی

مصالح از جنبه شمولیت و گستردگی نیز سه دسته است؛ اول مقاصد عامه است که عبارت است از حفظ ضروریات مانند دین، نفس، عقل، نسل و مال و همچنین مقاصدی مانند رفع ضرر، رفع حرج، اقامه قسط و عدل میان مردم، حفظ کرامت انسانی و غیره [Al-Risoni, 2010: 13-14; A Group of Writers, 2013a: 468]. دوم مقاصد خاصه است که تعلق به مجالی خاص از مجالات تشریح دارد؛ اموری مانند مقاصد شریعت در احکام ارث و ملحقات آن، مقاصد شریعت در معاملات مالی. ابن عاشور هم به این نکته توجه داشته است و مقاصدی را بیان کرده است. مقاصد شارع در احکام خانواده، مقاصد شارع در تصرفات مالی، مقاصد قضاوت و شهادت، مقاصد عقوبات و مواردی از این قبیل است [Al-Risoni, 2010: 14-15]. مقاصد جزئی که مقاصد هر حکمی از احکام شریعت که برای آن در نظر گرفته شده است؛ از وجوب، تحریم، کراهت، شرط، ندب و غیره. به عنوان مثال مقصود از صداق در نکاح ایجاد مودت بین زوج و زوجه است [Al-Risoni, 2010: 15]. بنابراین مقاصد کلی که در آن جمیع ابواب شریعت یا غالب آنها مشترک است و مقاصد دیگری وجود دارد که مخصوص به بابی از ابواب شریعت است و قسم سوم هم متعلق به واقعه‌ای معین یا جزئی خاص است و هرچه قدر مقصد شرعی عمومیت و وسعت بیشتری داشته باشد، از نظر قدر و اعتبار نزد شارع بالاتر و مهم‌تر است [A Group of Writers, 2013a: 468-469]. نکته قابل توجه این است که در تعارض و تراحم میان

مصالح، مصالح اهم و عام بر مصالح مهم و خاص مقدم خواهد شد؛ چون همان‌طور که گفته شد، مصالح هرچه قدر عام‌تر باشد از اعتبار و ارزش بیشتری در نزد شارع برخوردار است.

مصالح بشری از نگاه فایده‌گرایی قاعده‌نگر

فایده‌گرایی مکتبی ذیل پیامدگرایی در فلسفه اخلاق است که می‌توان گفت مهم‌ترین و مشهورترین مکتب شاخه پیامدگرایی است که در جهان غرب طرفداران و نظریه‌پردازان متعددی را به خود اختصاص داده است. می‌توان فایده‌گرایی را به عنوان یکی از قدرتمندترین و متقاعدکننده‌ترین رویکردهای اخلاقی به شمار آورد. در تاریخ فلسفه اخلاق رویکرد کلاسیک فایده‌گرایی توسط بنتام و میل به‌خوبی همراه با لذت تعریف شده است [Driver, 2014]. فایده‌گرایی کلاسیک که نمایندگان آن جرمی بنتام و جان استورات میل هستند و بعد از آنها فایده‌گرایان دیگری ظهور کردند [Driver, 2012: 12]. فایده‌گرایی بنتام کمی‌نگرانه است و فایده‌گرایی میل کیفی‌نگرانه است. به اعتقاد میل در این صورت لذات عقلی از لذات جسمانی بالاتر است؛ چون از کیفیت بالاتری برخوردار است [Driver, 2014].

شاخه پیامدگرایی پیامد و نتیجه فعل را به عنوان ملاک برای اخلاقی‌بودن یک عمل در نظر می‌گیرد و پیامد و نتیجه برای او مهم‌ترین عامل محسوب می‌گردد. در کنار آن فایده‌گرایی مکتبی است که «مجموعه قواعد و مقرراتی برای هدایت رفتار آدمی، که با رعایت آن، یک زندگی، به توصیفی که آمد، [تا حد ممکن فارغ از درد و رنج، و تا حد ممکن سرشار از لذت و خوشی، هم به لحاظ کمیت و هم از حیث کیفیت]، بتواند، با بیشترین گستره ممکن، برای بنی بشر تضمین شود؛ و نه فقط برای بشر، که تا جایی که طبیعت چیزها راه می‌دهد، به تمامی مخلوقات حساس» [Mill, 2019: 65-66]. به اعتقاد راولز ایده اصلی فایده‌گرایی این است که جامعه، زمانی به سامان، و بنابراین عادلانه، است که نهادهای اصلی‌اش به گونه‌ای سامان یافته باشند که بیشترین تراز خالص خرسندی برای جمع اعضای خود به‌دست آورد [Rawls, 2021: 61].

تفکیک میان فایده‌گرایی عمل‌نگر (Act Utilitarianism) و فایده‌گرایی قاعده‌نگر (Rule Utilitarianism) در قرن بیستم صورت گرفت [Brandt, 1959]. فایده‌گرایی عمل‌نگر، اخلاق موقعیت‌محور است که با توسل مستقیم به اصل فایده بیان می‌شود که چه عملی اخلاقی است و چه عملی غیراخلاقی است؟ به تعبیر دیگر آیا عمل من در این موقعیت جزئی به بیشترین خیر برای بیشترین افراد منجر می‌گردد یا نه؟ [Frankena, 1956: 87] از نظر اسمارت فایده‌گرایی آموزه‌ای است که بر مبنای آن درستی اعمال باید بر مبنای نتایج آنها قضاوت گردد. اگر منظور از عمل و فعل، افعال فردی خاص باشد، به نوعی از اصول اخلاقی که بنتام، سیجویک و مور در اختیار دارند، می‌رسیم. درستی و نادرستی وفای به عهد در یک موقعیت خاص، به درست‌بودن یا نادرست‌بودن نتایج حفظ و یا شکستن وفای به عهد در آن موقعیت خاص بستگی دارد و به تعبیر دیگر درست یا غلط‌بودن وفای به وعده در یک موقعیت خاص بستگی به خوبی یا بدی نتیجه آن دارد [Smart, 1956: 344].

به عنوان مثال وقتی می‌گوییم راستگویی خوب است، با اینکه طبق تجربه و قاعده مفید و سودمند است، اما آیا راستگویی در این موقعیت جزئی موجب بیشترین سود برای بیشترین افراد می‌گردد یا نه؟ [Frankena, 1956: 87-88] یعنی اگر راستگویی در این موقعیت موجب بیشترین خیر برای بیشترین افراد نگردد؛ بلکه دروغ‌گفتن منجر به بیشترین سود برای بیشترین افراد گردد؛ در این صورت دروغ‌گفتن برای رسیدن به پیامد مد نظر اخلاقی می‌گردد [Frankena, 2013: 88]. به اعتقاد ملگان ساده‌ترین شکل فایده‌گرایی، فایده‌گرایی

عمل‌نگر است و عمل درست، عملی است که بیشترین خیر را به بار آورد [Mulgan, 2021: 187]. به عنوان مثال وقتی گفته می‌شود که راستگویی خوب است، با اینکه طبق تجربه و قاعده مفید و سودمند است، اما آیا در این موقعیت جزئی موجب بیشترین سود برای بیشترین افراد می‌گردد یا نه؟ [Frankena, 2013: 87-88] سودگرایی عمل‌محور، استفاده از قواعد اخلاقی را مجاز ندانسته و تأکید جدی بر این مطلب دارد که در تک‌تک موارد جزئی باید نتایج و پیامد اعمال سنجیده شود و بر طبق رسیدن به بیشترین خوشی برای بیشترین افراد عمل شود [Frankena, 2013: 88]. توکلی از جمله امتیازات پیامدگرایی عمل‌نگر را در این می‌داند که به روح پیامدگرایی وفادارتر است [Tavakkoli, 2023: 423].

فایده‌گرایی قاعده‌نگر از فرد می‌خواهد به هنگام عمل، رفتار خود را مطابق با قواعد اخلاقی قرار دهد [Tavakkoli, 2023: 436]. پویم انسان‌ها را موجودات پیرو قواعد دانسته و فایده‌گرایی قاعده‌نگر را این گونه تعریف می‌کند [Pojman & Fieser, 2011: 106]:

«یک عمل درست است اگر و تنها اگر توسط قاعده‌ای که خود آن قاعده عضوی از مجموعه‌ای از قواعد و قوانین است که پذیرش آنها منجر به فایده بیشتر برای جامعه در مقایسه با هر گزینه موجود می‌شود، باشد.»

فایده‌گرایی قاعده‌نگر، نقش قواعد در اخلاق را محوری محسوب کرده و در اکثر قریب به اتفاق باید با توسل به قاعده‌ای مانند راستگویی، تعیین کرد که در مقام عمل و در موارد جزئی چه کار باید کرد؟ [Frankena, 2013: 94] از نظر ملگان در فایده‌گرایی قاعده‌نگر، افراد به جای روش‌های تصمیم‌گیری فردی، منشورهای قواعد اخلاقی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند [Mulgan, 2021: 195]. اینجا باز هم اصل سود معیار و ملاک بوده و در سطح قواعد باید به اصل سود تمسک جست [Frankena, 2013: 95]. از نظر فرانکنا در نظر سودگروی قاعده‌نگر رعایت‌کردن و تابعیت از قاعده‌ای مانند راستگویی، به این دلیل می‌تواند درست باشد که داشتن قاعده مفید و مهم بوده؛ ولو اینکه در برخی از موارد جزئی، راستگویی منجر به بهترین پیامد نگردد [Frankena, 2013: 95].

میل در کتاب فایده‌گرایی، بحث مصلحت‌مندی را مطرح می‌کند. اگر وزیر کشوری بخواهد به خاطر منافع خودش که جزئی و زودگذر است، منافع کشورش را که بلندمدت است، از بین ببرد، این کار موجب فروپاشی قاعده‌ای بسیار مهم می‌شود که رعایت آن قاعده در سطحی بالاتر، مصلحت بوده و به عنوان مصلحت عام و مهم تلقی می‌گردد. اگر وزیر کشوری به خاطر مصلحت زودگذر خودش، قاعده‌ای مهم به نام راستگویی را از بین ببرد، این به مصلحت نیست. هم به مصلحت کشور نیست و هم به مصلحت خودش نیست. بنابراین باید راستگویی را به عنوان یک قاعده کلی در نظر گرفت و همیشه آن را رعایت کرد؛ مگر در برخی موارد نادر [Mill, 2019: 82-83]. «با تمام این اوصاف، تمامی عالمان اخلاق معترف‌اند که این قاعده، هرچند هم مقدس، استثنا‌بردار است» [Mill, 2019: 83]. یکی از مهم‌ترین استثناهای آن زمانی است که پنهان کردن حقیقتی موجب نجات جان شخصی شود و حفظ جان آن شخص جز با زیر پا گذاشتن قاعده راستگویی ممکن نیست [Mill, 2019: 83]. میل در اینجا می‌خواهد این قواعد از جمله راستگویی را مانند قواعد عرفی بدانند که باید به صورت کلی در همه شرایط رعایت گردد؛ اما چه بسا در یک مورد جزئی هم استثنا‌بردار است و این مطلبی است که برخی از عالمان اخلاق هم به آن معترف بوده و تخلف جزئی این قاعده ضربه‌ای به کلی‌بودن آن وارد نمی‌کند. در فقه مقاصد شریعت و فقه مصلحت‌محور هم این‌گونه است که تخلف آحاد جزئی ضربه‌ای به کلی‌بودن کلی نمی‌زند. یعنی تخلف در نتیجه موجب از اعتبار افتادن قاعده نمی‌شود. البته باید توجه داشت که نظر میل متفاوت از

نظر فایده‌گرایان قاعده‌محور است. چون بر مبنای فایده‌گرایی قاعده‌محور ما حق نداریم خلاف قاعده عمل کنیم؛ حتی در جایی که خلاف قاعده عمل کردن موجب بیشترین سود برای بیشترین افراد و نتیجه بهتر گردد. در مورد نظریه میل نیز تفاسیر مختلفی صورت گرفته است. افرادی از جمله ارمسون نظریه او را در مورد فایده‌گرایی به فایده‌گرایی قاعده‌محور تفسیر کرده‌اند. برخی هم او را فایده‌گرایی عمل‌محور تفسیر کرده‌اند. به اعتقاد وست یک تقریر و تفسیر از فایده‌گرایی عمل‌محور، فایده‌گرایی عمل‌محور بیشینه‌ساز (maximizing act- utilitarianism) است. این تقریر یک عمل خاص را درست می‌داند؛ اگر پیامدهای آن عمل خاص در شرایط منحصربه‌فرد، به‌خوبی و درستی نتایج دیگر گزینه‌های بدیل آن باشد؛ در غیر این صورت غلط است [West, 2013: 534].

در فایده‌گرایی قاعده‌نگر به جای روش‌های تصمیم‌گیری جداگانه و فردی، ارزیابی قواعد اخلاقی مد نظر است. مجموعه‌ای از قواعد که پیروی از آنها موجب به وجود آوردن نتایج بهتری در مقایسه با پیروی سایر قواعد است. به تعبیر ملگان فایده‌گرایی از جذابیت شهودی بالایی برخوردار است. یکی از اشکالات فایده‌گرایی قاعده‌نگر این است که یک شخص در اکثر اوقات می‌تواند با نقض قواعد اخلاقی موجب تولید خیر بیشتر گردد؛ به قتل رساندن یک شخص مجرم برای جلوگیری از قتل‌های بیشتر، شکنجه کردن فرزند یک تروریست برای دفع بلا و فاجعه و مواردی از این قبیل. فایده‌گرایی قاعده‌نگر مخالف با این مورد از مثال‌های نقض بوده و در فایده‌گرایی قاعده‌نگر نقض قاعده و استتนาخوردن قاعده، معنایی ندارد؛ وگرنه قاعده زیر سوال خواهد رفت. به گونه‌ای که می‌توان گفت یکی از اشکالات مهم بر فایده‌گرایی، اشکال پرستش قاعده است. پیروی کردن از قواعدی مشخص حتی در جایی که قواعد مذکور موجب به بار آوردن بهترین پیامدهای ممکن نباشند، باز هم باید طبق قاعده جلو رفت و قاعده استتنا برنمی‌دارد [Mulgan, 2021: 195-196].

به اعتقاد شیفرفلاندو یکی از بزرگ‌ترین مشکلات فایده‌گرایی این است که هدف از آن به حداکثر رساندن سود و رفاه است. اما گاهی در صورتی می‌توان به این نتیجه دست پیدا کرد که مرتکب بی‌عدالتی شویم و این با نظریه اخلاقی سازگار نیست [Shafer-Landau, 2022: 147]. یکی از پاسخ‌ها بر اشکال مذکور این است که «یک فعل از نظر اخلاقی درست است تنها از آن رو که قاعده اجتماعی بهینه‌ای آن را الزام می‌کند» [Shafer-Landau, 2022: 151]. به تعبیر دیگر به جای تعیین کردن وضعیت اخلاقی یک فعل با نتایج آن، تبعیت فعل از قاعده اخلاقی مد نظر است. با این وجود در فایده‌گرایی قاعده‌محور باید مطابق با قاعده عمل کرده و پیش رفت و قاعده هم نباید استتنا بردارد. بنابراین معلم باید به شاگردانش نمره‌ای را بدهد که مستحق آن هستند نه نمره‌ای را که دلشان می‌خواهد. منع کردن مجازات‌های نیابتی یعنی هدف قراردادن افراد بی‌گناه به عنوان راهی برای جلوگیری از جرم و جنایت. به عنوان مثال با شکنجه کردن فرزند یک تروریست او را وادار به اعتراف کردن درست نیست [Shafer-Landau, 2022: 152]. بر مبنای فایده‌گرایی قاعده‌محور اعمال خاصی مطلقاً ممنوع است، حتی اگر گاهی موجب ایجاد نتایج بسیار خوبی هم شود. یعنی استتنا برنمی‌دارد و باید مطابق با قاعده جلو رفت. شکنجه کردن زندانی نادرست است؛ حتی اگر گاهی و در موارد نادری موجب خیر بیشتر گردد [Shafer-Landau, 2022: 153]. راولز هم یکی از ویژگی‌های نظریه‌های پیامدگرایانه مانند فایده‌گرایی این می‌داند که از جذابیت شهودی بسیار بالایی برخوردارند [Rawls, 2021: 62]. از نظر راولز بدهات، وضوح و سادگی نظریه‌های پیامدگرایانه کلاسیک به این دلیل است که این نظریات قضاوت‌های اخلاقی انسان‌ها را دو دسته می‌کنند. یک دسته قضاوت‌هایی که به صورت جداگانه توصیف می‌گردد و دسته دیگر قضاوت‌هایی که در مرحله بعد از طریق اصلی بیشینه‌ساز با دسته اول مرتبط می‌گردد [Rawls, 2021: 62].

کسانی که بر فایده‌گرایی اشکال می‌کنند، یکی از اشکالات آنها در همین نکته است که فایده‌گرایی قاعده‌محور یعنی تبعیت از قاعده حتی در زمانی که نقض این قواعد منجر به پیامدهای بهتری گردد و این کار را درست نمی‌دانند؛ چون در این موارد از پیش معلوم است که نتیجه مد نظر محقق نخواهد شد. از منظر آنان شکنجه کردن، اختلاس، مجازات‌های نیابتی، دروغ‌گرفتن و غیره به صورت مطلق ممنوع است؛ حتی در مثال‌ها و موارد خاصی که این افعال بیشترین منفعت را داشته باشد. به تعبیر دیگر با قرارگرفتن در یک موقعیت استثنایی و خلاف قاعده که منجر به بیشترین سود برای بیشترین افراد می‌گردد، مجاز نیستیم خلاف قاعده عمل کنیم؛ چون خلاف قاعده است و نباید قاعده استثنا بخورد [Shafer-Landau, 2022: 153-154].

تطبیق فایده‌گرایی قاعده‌نگر با فقه مصلحت‌محور

مبنای نظری تطبیق

در میان علمای اسلامی مصالح دارای رتبه‌بندی و اهمیت هستند. به همین دلیل قواعدی را برای رعایت مصالح و دفع مفساد صورت‌بندی کرده‌اند. از جمله این قواعد عبارتند از: *دفع مفساد اولی است از جلب مصالح. *هنگام تعارض میان مصالح و مقاصد پنج‌گانه ترتب مصالح آنها بر حسب احکام پنج‌گانه خواهد بود. فعلی که حکم آن وجوب است، مهم‌تر از فعلی است که حکم آن استحباب است و در این مورد واجب مقدم بر مستحب خواهد بود. *ضروریات بر حاجیات و حاجیات بر تحسینات مقدم است. *مصلحت عامه بر مصلحت خاصه مقدم است. *مصلحت غالبه بر مفسده نادره مقدم است. *اگر دو مصلحتی که با هم مساوی باشند و متعذر باشد، جمع میان آن دو، در این صورت در انتخاب بین آنها اختیار وجود دارد و قواعدی از این قبیل وجود دارد که در عین حالی که می‌تواند برگرفته از کتاب و سنت باشد، قابل درک توسط عقول انسانی است [A Group of Writers, 2013b: 115-268].

در کنار آن فایده‌گرایی قاعده‌نگر به مصلحت در فقه اسلامی نزدیک می‌شود و با اینکه در امور اخلاقی قاعده کلی داده و عمل اخلاقی را عملی می‌داند که طبق آن قاعده عمل شود؛ اما برخلاف فقه مصلحت‌محور، قاعده را استثنا نمی‌زند. به عنوان مثال دروغ‌گفتن بد است، به عنوان یک قاعده کلی مد نظر است و حتی در جایی که دارای بیشترین سود برای بیشترین افراد باشد، باز هم نباید دروغ گفت. البته بر مبنای فایده‌گرایی عمل‌نگر در این موقعیت می‌توان دروغ گفت؛ چون منجر به بیشترین سود برای بیشترین افراد می‌گردد.

فایده‌گرایی قاعده‌نگر به اخلاقیات حس عمومی و شهودات اخلاقی ما نزدیک‌تر است. با اینکه فایده‌گرایی عمل‌نگر ساده‌تر است. در مقابل، فایده‌گرایی عمل‌نگر با توجه به موقعیت‌های جزئی تصمیم به انتخاب می‌گیرد [Harsanyi, 1985: 117]. در کنار آن، کانت معتقد است که اخلاق امری خودبنیاد بوده و بنیاد اخلاق بر عقل استوار بوده و قواعد عقلی هم هیچ‌گونه استثنایی برنمی‌دارد. حتی برای نجات جان افراد هم مجاز نیستیم قاعده اخلاقی راستگویی را زیر پا گذاشته و دروغ بگوییم. از نظر کانت تنها باید بر مبنای قاعده‌ای رفتار کرد که بخواهیم آن قاعده به قانون کلی تبدیل گردد [Kant, 2022: 37-39]. نکته قابل توجه این است که همان گونه که فایده‌گرایان قاعده‌نگر قاعده را به صورت مطلق ذکر می‌کنند و خلاف قاعده را نمی‌پذیرند، کانت هم بر مبنای وظیفه‌گرایی معتقد است که مطلقاً نباید دروغ گفت و قواعد کانت و امر مطلق کانت هم استثنا برنمی‌دارد. اما این دو مکتب با هم متفاوت‌اند. با اینکه وظیفه‌گرایی و فایده‌گرایی قاعده‌نگر به لحاظ عملی مطابقت دارند، در مکتب کانت علاوه بر اینکه وظیفه‌گرایی مد نظر بوده؛ از منظر توجیه متفاوت از فایده‌گرایی قاعده‌نگر است. بر مبنای کانت خود وظیفه فارغ از هر پیامدی شایسته احترام است؛ اما در فایده‌گرایی قاعده‌نگر معتقدند

که قواعد اخلاقی چون در مجموع سودمند بوده و موجب بیشترین سود برای بیشترین افراد می‌گردد، دارای ارزش است. در مکتب کانت موافقت با قانون عام و قابل تعمیم‌بودن دارای ارزش است. «تنها مطابق با قاعده‌ای رفتار کن که به واسطه آن، در همان حال بتوانی بخواهی که این قاعده، قانونی کلی باشد» [Kant, 2022: 65].

فایده‌گرایی سلبی و اولی‌بودن دفع مفسده از جلب مصلحت

یکی از قواعد فقهی که مربوط به بحث مصلحت و مفسده است و با آن مرتبط است، اولی‌بودن دفع مفسده از جلب مصلحت است که در مقاله حاضر به آن اشاره می‌شود و تطبیقی میان فایده‌گرایی سلبی با قاعده مذکور داده می‌شود.

فایده‌گرایی سلبی اولین بار توسط نینیان اسمارت مطرح شد. بدین صورت که حداقل کردن رنج قابل اجتناب، جایگزین به حداکثر رساندن بیشترین شادی می‌گردد [Acton & Watkins, 1963: 83]. بر مبنای فایده‌گرایی سلبی دوری از درد و رنج مهم‌تر از به‌دست‌آوردن شادی و سعادت در نظر گرفته می‌شود. بر مبنای فایده‌گرایی سلبی بهترین عمل در هر موقعیتی آن عملی نیست که موجب بیشترین شادکامی برای بیشترین افراد گردد؛ بلکه عملی بهترین عمل است که موجب کمترین درد و رنج گردد. می‌توان به یک شخص ثروتمندی که معتقد به فایده‌گرایی سلبی است، مثال زد که در میان دو موقعیت قرار گرفته است. این شخص دو گزینه پیش روی خود دارد. می‌تواند دارایی خود را به یک شخص مریض بدهد که با این کار تا حد زیادی از رنج و درد او کاسته می‌شود و یا اینکه دارایی و ثروت خود را میان هزار نفر از افراد بدون درد و سعادت تقسیم کند تا هرکدام از آنها اندکی سعادت‌مندتر شوند. بر مبنای فایده‌گرایی سلبی گزینه اول در اولویت است. اما بر مبنای فایده‌گرایی متعارف گزینه دوم در اولویت است [Warburton, 1999: 52-53].

در کنار آن برخی از متفکران نیز از برخی عبارات پوپر در کتاب جامعه باز و دشمنان آن ایده فایده‌گرایی سلبی و مقدم‌بودن آن را استنباط کردند. کارل پوپر صورت‌بندی سه‌گانه‌ای از مهم‌ترین مبادی اخلاق بشردوستی و برابری‌طلبی ارائه می‌دهد که عبارتند از «بردباری و تسامح نسبت به تمامی کسانی که نابردبار نیستند و نابردباری را ترویج نمی‌کنند» [Popper, 2017: 226]. دوم اینکه «هرگونه ضرورت اخلاقی از ضرورت [چاره‌اندیشی بر] رنج و درد مایه می‌گیرد.» [Popper, 2017: 226] و مقابله‌کردن با جنگ و زور آن اصلی که مورد نیاز ما است، اصل دوم است که پوپر پیشنهاد می‌کند که ملاک مبتنی بر اصالت فایده و سود که عبارت از بیشترین خوشی برای بیشترین افراد است و یا به حداکثر رساندن لذت و خوشبختی، به کمترین رنج قابل اجتناب برای همه افراد تبدیل شود. یعنی همان نظریه فایده‌گرایی سلبی و تایید آن که مد نظر پوپر است. از نظر پوپر همین قاعده و ملاک ساده این ظرفیت را دارد که تبدیل به یکی از مبادی مهم و بنیادین سیاست اجتماعی گردد. از نظر او قرینه قراردادن رنج و خوشی غلط است [Popper, 2017: 226]. در نتیجه از منظر پوپر اصل به حداقل رساندن رنج یا کمترین رنج قابل اجتناب برای همگان، بهتر و بالاتر از اصل به حداکثر رساندن خوشبختی است که این ایده همان فایده‌گرایی سلبی است [Acton & Watkins, 1963: 84]. در ادعای پوپر مطلب دیگری هم نهفته است و آن این است که از جنبه اخلاقی کمک به افرادی که دارای درد و رنج است، یک عمل فوری و ضروری است. پیش‌فرض این ادعا این است که از لحاظ اخلاقی میان رنج و شادی یا درد و لذت تقارنی برقرار نیست و این دو طرف از منظر اهمیت اخلاقی برابر نیستند. بنابراین از بین بردن رنج و یا کاهش دادن آن بر ایجاد شادی و یا بیشینه‌کردن آن اولویت دارد [Acton & Watkins, 1963: 85].

یکی از مسایل مهمی که در اینجا مطرح می‌شود، بحث همدلی (Sympathy) است. به عقیده شوپنهاور همدردی با افرادی که در رنج و درد هستند، به عنوان اساسی‌ترین پایه اخلاق محسوب می‌گردد. سوال مهمی که مطرح می‌شود، این است که اساساً آیا همدلی با کسانی که در رنج هستند، اخلاقی‌تر از همدلی‌کردن با افراد خوشحال و موفق است؟ البته باید توجه کرد که تفاوت‌های مهمی بین همدلی برای افرادی که در ناراحتی‌اند و افرادی که خوشحال‌اند، وجود دارد. وقتی با رنج فردی همدلی می‌شود، اینجا از افراد خواسته شده است که کمک کنند؛ در حالی که زمانی که از خوشحالی کسی متأثر شده و او را ستایش می‌کنیم، معمولاً خواسته‌ای مانند کمک‌کردن در اینجا وجود ندارد. به تعبیر دیگر فرد مبتلا به درد و رنج محتاج کمک است؛ اما فرد خوشحال بی‌نیاز از کمک‌کردن است [Acton & Watkins, 1963: 85-86].

مطلب مهم دیگر این است که اگر توجه به درد و رنج دیگران مهم‌تر از توجه به خوشحالی آنها شد؛ باید به انواع رنج و منابع آن توجه کرده، روش‌های به حداقل‌رساندن رنج و این‌که چه کسی می‌تواند این کار را انجام دهد، نیز مد نظر باشد [Acton & Watkins, 1963: 86].

در کنار این مطالب برخی از جمله نینیان اسمارت نقدهایی را بر نظریه پوپر وارد می‌کنند. اسمارت مثال‌های نقضی برای فایده‌گرایی سلبی مطرح می‌کند. به عنوان مثال اگر یک حاکمی بتواند از طریق اسلحه‌ای که در اختیار دارد، در عرض چند ثانیه تمامی انسان‌ها را نابود کند و معلوم است که قبل از نابودی این انسان‌ها، به طور طبیعی یک عده به درد و رنج مبتلا هستند [Smart, 1958: 542]. «در نتیجه استفاده از سلاح به کاهش درد و رنج و وظیفه حاکم بر زمین‌های NU بستگی دارد» [Smart, 1958: 542]. به اعتقاد اسمارت می‌توان این‌گونه اقدام حاکم را شرورانه دانست. چون با این کار لذت‌های مثبت و شادی که تعداد کثیری از انسان‌ها می‌توانستند از آن برخوردار باشند، از بین می‌رود [Smart, 1958: 542].

در کنار فایده‌گرایی سلبی، بحث دفع مفسده اولی از جلب مصالح است، مطرح می‌گردد. «دفع و کندن مصالح اولی از جلب مصالح است» [A Group of Writers, 2013b: 143]. مقصود و منظور از این قاعده این است که اگر بر چیزی در یک زمان مشترک هم مفاصد و هم مصالحی مترتب گردد، جانب مفسده آن از جهت اعتبار و اهمیت مقدم بر جانب مصلحت آن خواهد شد [A Group of Writers, 2013b: 144].

به اعتقاد تسخیری مستندی برای این قاعده یافت نشده است و دلیل آن را وضوح این قاعده از جهت عقلی می‌داند و محذور واقع‌شدن در مفسده حرام را شدیدتر از محذور از دست‌دادن و فوت مصلحت می‌داند [Taskhiri, 2010: 170]. به اعتقاد حب‌الله این قاعده از جمله قواعد مشهور در اصول فقه اسلامی به شمار می‌رود [Hobbollah, 2019: 489]. از جمله دلایل برای قاعده مذکور «مرجعیت قاعده تقدیم محرمات بر واجبات» است [Hobbollah, 2019: 489].

گاهی از دفع مفسده اولی بر جلب مصلحت است، تعبیر می‌شود بر تقدم اجتناب بر اجتناب [Hobbollah, 2019: 489].

این قاعده را از دو حیث می‌توان مورد بحث و بررسی قرار داد از جهت علم و احتمال. به این صورت که یک بار گفته شود دفع مفسده معلومه مقدم بر جلب مصلحتی است که معلوم و قطعی است و یک بار هم گفته شود دفع مفسده محتمله اولی است از جلب مصلحتی که محتمل و ظنی است و به این نکته هم باید توجه داشت که این قاعده به صورت مطلق به کار نمی‌رود؛ بلکه دارای شروط و قواعدی است [Hobbollah, 2019: 490]. به اعتقاد ریسونی بسیاری از اصطلاحات معروف فقهی و اصولی امروزه برگشت به جوینی می‌کند و او این اصطلاحات را جعل کرده است. یکی از این اصطلاحات اغراض دفعی و نفعی است. یعنی برای شریعت اغراض

دفعی و نفعی وجود دارد و به اعتقاد ریسونی این عبارت جوینی مهم‌تر از دفع مفسده و جلب مصلحت است. معنا واحد است اما عبارات جوینی از لحاظ زمانی سبقت دارد و موجز همراه با اضافه و زیادتی در معنا است. دفع و نفع مساوی جلب مصالح و درء مفسد است و کلمه اغراض یعنی قصد شرعی و این معنایی است که عبارت جلب مصالح و دفع مفسد فاقد آن است [Al-Risoni, 2014: 71]. این عبارت حتی سابق‌تر و قبل‌تر از عباراتی است که شاطبی و غزالی آن را به کار می‌بردند. حفظ مصالح از جانب وجود و عدم نیز این‌گونه است. از جانب وجود یعنی ایجاد مصالح، جلب و تکثیر آن و از جانب عدم یعنی حفظ مصالح از عدم، تلف‌شدن، اتلاف و فساد. باید دقت داشت که همه این موارد برگشت به توجه دو نکته می‌کند؛ شریعت حفظ مصالح را از دو طریق تأمین میکند و آن نفع و دفع، جلب و درء و وجود و عدم است [Al-Risoni, 2014: 71]. معنای حفظ مصالح در تعابیر علما این است که قبل از تعطیلی و درء مفسد، ایجاد مصالح و تحصیل و تکثیر آن واجب است [Al-Risoni, 2014: 72]. صاحب تقسیم سه‌گانه مصالح به ضروری، حاجتی و تحسینی نیز جوینی است [Al-Risoni, 2014: 73].

هنگام تعارض مصلحت و مفسده با هم، غالباً دفع مفسده مقدم می‌گردد. چون اعتنای شارع به امور نهی‌شده شدیدتر از اعتنای او به اوامر است. به همین خاطر در ترک برخی از واجبات با کمترین مشقت مسامحه شده و اجازه داده شده است، مانند قیام در نماز و مبحث طهارت. اما در اقدام بر منهیات از جمله گناهان کبیره، این‌گونه نیست [Suyuti, 1983: 87].

گاهی اوقات نیز مصلحت بر مفسده مقدم می‌گردد و آن زمانی است که مصلحت بر مفسده غلبه پیدا کند. مواردی مانند نماز که اختلال به شرطی از شروطی طهارت، با اینکه در اینجا مفسده‌ای مترتب است؛ اما باز هم نماز بدون آن مجاز دانسته شده است. با اینکه دروغ مفسده و حرام است؛ اما اگر در مواردی مصلحت غلبه داشته باشد، دروغ‌گفتن مجاز می‌گردد؛ مانند اصلاح امور بین مردم و یا میان زن و شوهرش و یا هنگام نجات دادن جان یک شخص با دروغ‌گفتن که در این موارد به خاطر مصلحت غالب، دروغ‌گفتن مجاز می‌گردد [Suyuti, 1983: 88].

بنابراین زمانی دفع مفسده اولی از جلب مصلحت است که مصلحت و مفسده در یک رتبه باشند. اما زمانی که جانب مصلحت غلبه پیدا کند، مصلحت مقدم شده و این قاعده کنار می‌رود.

صاحب کفایه آخوند خراسانی در کفایه در باب ترجیح نهی بر امر سه دلیل را ذکر می‌کند و البته بر هر سه دلیل اشکالاتی را وارد می‌کند. دلیل اول اقوی‌بودن نهی از جهت دلالت بر امر است [Al-Khorasani, 2022: 206]. دلیل دوم اولی‌بودن دفع مفسده از جلب مصلحت است. صاحب کفایه در اینجا اولویت را به صورت مطلق منع کرده و معتقد است که چه بسا عکس این قاعده درست باشد؛ همان‌گونه که در برخی از موارد در مقایسه با انجام برخی از محرّمات و یا ترک برخی از واجبات بیان می‌شود [Al-Khorasani, 2022: 208]. از جمله اگر امر دایر شود میان نجات جان کسی که در حال غرق‌شدن است و عبور از زمین دیگری بدون اجازه او که غصبی محسوب می‌شود، برای نجات جان کسی که در حال غرق‌شدن است. در اینجا نجات جان شخصی که در حال غرق‌شدن است، اولویت پیدا می‌کند بر نهی که نباید بر زمین دیگری بدون اجازه او وارد شد [Taskhiri, 2010: 171]. یعنی وجوب امر و مصلحت بر نهی و دفع مفسده مقدم می‌گردد. البته باید توجه کرد که در اینجا وجوب مصلحت یعنی نجات جان شخص با عبور از زمین دیگری بدون اجازه او در یک رتبه و درجه نیستند. بلکه شدت وجوب مصلحت بیشتر از مفسده و کار حرام است و اساساً قاعده دفع مفسده اولی از جلب

مصلحت است، در اینجا مطرح نمی‌گردد؛ بلکه در جایی مطرح می‌گردد که مصلحت و مفسده با هم در یک رتبه و درجه باشند و این مطلبی است که مستشکل در اینجا به آن توجه نکرده است. میرزای قمی نیز در قوانین بر این قاعده اشکال کرده و معتقد است که ترک واجب هم مفسده است؛ اگر معین باشد [Mirza Al-Qumi, 2018: 318].

بنابراین قاعده دفع مفسده اولی از جلب مصلحت است، با مبنای فایده‌گرایی سلبی، دارای اشتراکاتی بوده و در هر دو مورد، جانب مفسده و نفی مقدم می‌گردد و بنابراین می‌توان مقدم‌بودن دفع مفسده بر ایجاد مصلحت را بر مبنای نظریه فایده‌گرایی سلبی بازخوانی کرد. در مقاله حاضر نیز به صورت مفصل به این امر پرداخته نشد و پرداختن به مطلب مذکور می‌تواند در مقاله مستقلی بیان شود. البته باید توجه داشت که در هر دو مکتب اشکالاتی بر قاعده وارد شده است که اشکالات مهمی بوده و باید به این اشکالات توجه کرد.

مصادیق تطبیق

هارسونی در مقاله‌اش، مثال احداث خیابان و آزادراه را در نظر می‌گیرد و با توجه به فایده‌گرایی عمل‌نگر و قاعده‌نگر بحث می‌کند. فرض کنیم که دولت قصد دارد آزادراهی را احداث کند. با احداث این آزادراه، فرد الف و خانواده‌اش از خانه محروم خواهند شد؛ چون خانه فرد الف در طرح است و به خاطر احداث آزادراه باید از آن صرف نظر کند. در کنار آن سود این خیابان به تعداد کثیری از مردم و آیندگان خواهد رسید. در اینجا چکار باید کرد؟ [Harsanyi, 1985: 117] بر مبنای فایده‌گرایی عمل‌نگر اگر این کار فایده زیادی را دربر داشته باشد، انجام آن مجاز است. اقدام دولت می‌تواند فایده مثبت ایجاد کند برای استفاده‌کنندگان از این خیابان و برای کارکنان و کارگرانی که در اینجا مشغول فعالیت هستند. اما در کنار آن دارای فواید منفی نیز هست. از جمله از دست‌رفتن خانه فرد الف و خانواده‌اش [Harsanyi, 1985: 117]. این مورد از منظر فایده‌گرایی عمل‌نگر، عملی اخلاقی و مجاز است. اما اگر از منظر فایده‌گرایی قاعده‌محور به این عمل نگاه شود، این عمل خلاف اخلاقیات حس عمومی (Common Sense Morality) است و با این کار دولت به حقوق فردی، حق مالکیت و آزادی شخصی فرد الف، تعرض کرده است [Harsanyi, 1985: 117]. بنابر استدلال هارسونی، انسان‌ها ترجیح می‌دهند در جامعه‌ای زندگی کنند که از حقوق فردی آنها حمایت شده و به حقوق آنها تعرض نشود. هارسونی این حقیقت را یک استدلال پایه‌ای برای فایده‌گرایی قاعده‌محور در نظر می‌گیرد [Harsanyi, 1985: 117-118]. یعنی حتی در برخی از مواردی که با زیر پا گذاشتن قاعده اخلاقی، در جایی که نتیجه آن موجب بیشترین سود برای بیشترین افراد می‌گردد، درست نیست و باید به قاعده پایبند بود؛ حتی اگر نتیجه آن موجب بیشینه‌شدن سود نگردد.

غزالی در *المستصفی* مثالی را بیان می‌کند که مربوط به مصالح مرسله است که در میان عالمان اسلامی در باب پذیرش یا رد این‌گونه مصالح اختلاف است که شاطبی در *الاعتصام* چهار نظریه را مطرح می‌کند. قاضی ابوبکر باقلانی و عده‌ای از اصولیین قایل به رد آن شده‌اند. مالک آن را پذیرفته است. شافعی و معظم حنفیه معتقد به قول سومی شده‌اند. نظر چهارم هم مربوط به غزالی است [Al-Shatibi, 2000: 6].

به اعتقاد غزالی مصالحی که دلیل نقلی برای تایید آن وجود ندارد (مصالح مرسله) با سه شرط ضرورت، قطعیت و کلیت مورد پذیرش قرار خواهد گرفت. ضروری است؛ زیرا مستلزم حفظ جان که یکی از مقاصد خمس است، است. قطعی است؛ زیرا به صورت قطعی واضح است که با این روش، جان مسلمین در امان خواهد بود. کلی است؛ زیرا همه جامعه اسلامی مد نظر است نه بخشی از آن [Masoud, 2015: 182-183]. اما شاطبی به گونه‌ای دیگر پذیرش مصالح مرسله را مورد بررسی قرار داده است و معتقد است با مراعات سه موضوع می‌توان

به اخذ به مصلحت مرسله اقدام کرد؛ معقول بودن مصلحت در ذات خود، سازگاری با تمامی مقاصد شریعت و مرتبط بودن با محافظت از امری ضروری یا دفع مشقت و سختی [Qarzewi, 2000: 286-287]. ابن عاشور هم چهار شرط برای عمل بر مبنای مصالح مرسله ذکر می‌کند؛ اول اینکه از جمله مصالحی باشد که دلیل شرعی که موجب الغای مصلحت مرسله است، نیامده باشد. دوم اینکه مصلحت مد نظر، از مصالح محققه باشد. سوم اینکه مصلحت از نوع مصالح عمومی باشد و تشریح حکم برای مصلحت خاص صحیح نیست و چهارم اینکه مصلحت در ذات خودش معقول و قابل فهم عقلانی باشد و در امور تعبدی و عقوبات جاری نباشد [Ibn Ashour, 2004: 298].

اگر کفار قصد تجاوز و حمله به بلاد اسلامی را داشته باشند و برای این کار از مسلمانان به عنوان سپر انسانی استفاده کنند، در اینجا باید چه کرد؟ اگر مسلمانان به خاطر محافظت از جان مسلمانی که به عنوان سپر انسانی قرار داده شده است، با کفار ننگند، در این صورت کفار بر سرزمین اسلامی احاطه پیدا کرده و امکان دارد، افراد بیشتری را نسبت به اسرا به قتل برسانند. از طرف دیگر لزوم جنگیدن با کفار مستلزم نابودی مسلمانانی است که به عنوان سپر انسانی قرار داده شده‌اند که برای این امر هم دلیلی در شریعت وجود ندارد. در این مثال غزالی این نوع مصلحت را با سه شرط ضرورت، قطعیت و کلیت مورد پذیرش قرار می‌دهد. یعنی برای حفظ جان دیگر مسلمانان و نابودی کفار مجاز می‌شویم تا سپر دفاعی را نابود کنیم [Al-Ghazali, 2014: 277-278; Hallaq, 1997: 112-113].

بنابراین ممکن است در مواردی قواعد استثنایدار باشند. یکی از آن موارد، فداکردن مصلحت پایین‌تر، جهت حفظ مصلحت بالاتر است. راستگویی به عنوان یک قاعده امری مطلوب و اخلاقی است. اما ممکن است دارای استثنایی هم باشد و آن در جایی است که عامل اخلاقی، برای نجات جان یک انسان، به دروغ متوسل شود. در فقه مصلحت‌محور هم انسان بنا بر رعایت مصالح بالاتر یعنی حفظ جان عده بیشتری از انسان‌ها و از بین بردن کفار، با رعایت شرایطی مجاز می‌شود تا مسلمانانی را که سپر انسانی شده‌اند را از بین ببرد. در واقع جان انسان‌ها محترم است. اما در این مورد نادر و استثنایی برای حفظ جان انسان‌های بیشتر و نابودی کفار و با رعایت شرایطی که غزالی مطرح می‌کند از جمله ضرورت، قطعیت و کلیت، می‌توان جان انسان‌هایی را که سپر دفاعی شده‌اند، را از بین برد. البته تقدم مصلحت اهم بر مهم در فقه مصلحت‌محور بیشتر با فایده‌گرایی عمل محور مطابقت می‌کند؛ اما بر مبنای فایده‌گرایی قاعده‌محور، انسان‌ها باید مطابق با قواعد اخلاقی پیش بروند و قواعد را رعایت کنند؛ حتی اگر در جایی زیر پا گذاشتن قاعده موجب بیشترین سود برای بیشترین افراد و نتیجه بهتر شود، مجاز نیستیم که قواعد را زیر پا بگذاریم. بر مبنای قاعده باید راست گفت. حالا اگر در موقعیتی دروغ گفتن منجر به نتیجه بهتر شود، چه باید کرد؟ بر مبنای فایده‌گرایی قاعده‌محور حق نداریم دروغ بگوییم و بر طبق مطالب بیان شده، این مطلب به عنوان یکی از تفاوت‌ها و اختلافات میان فایده‌گرایی قاعده‌محور و فقه مصلحت‌محور است.

محمد سعید رمضان البوطی مهم‌ترین خصوصیت‌های برجسته مصلحت از منظر علمای اسلامی و شریعت اسلامی را با برخی از مکاتب غربی از جمله فایده‌گرایی در سه چیز می‌داند که به عنوان تفاوت و تفکیکات این دو مکتب نیز کارایی دارد. اول اینکه معیارهای زمانی مصلحت در نزد فایده‌گرایان محدود به عمر دنیا و این جهانی (سکولار) است. دوم اینکه ارزش و قیمت مصلحت، موقوف به قیمت و ارزش لذت مادی است. سوم این که اعتبار دین فرع بر مصلحت دنیوی است و مصلحت دنیوی در اولویت قرار دارد [Al-Bouti, 2018: 30-44].

اما بر مبنای شریعت اسلامی ابتدا باید دانست که معیار زمانی مصلحت هم شامل مصلحت دنیوی و هم شامل مصلحت اخروی است. دوم اینکه ارزش و قیمت مصلحت شرعی منحصر در لذت مادی به‌تنهایی نیست و سوم اینکه مصالح دین اساس و پایه مصالح دیگر است و برای این خاصیت سوم، سه امر مترتب می‌گردد؛ اول ضرورت سیر مصالح در سایه نصوص و عدم خروج از آن. دوم اینکه صلاح و فساد در افعال، اثر احکام شارع بر آن است و سوم اینکه مصلحت دین، اساس و پایه مصالح دیگر و مقدم بر آنها است. بنابراین مصالح دین در رتبه اول است و اگر با مصالح دیگر در تعارض باشد، باید مصالح دیگر فدای مصالح دین شود. در ذیل خاصیت و ویژگی سوم ادله‌ای وجود دارد که بوطی آنها را نیز توضیح می‌دهد. اول اینکه حیات انسان واسطه‌ای است برای اکتساب سعادت در آخرت. دوم مصالح و مقاصد ضروری که پنج تا است و عبارت است از دین، نفس، عقل، نسل و مال است و هرکدام از این مقاصد باید کسب شود ولو به واسطه از بین بردن مقاصد و مصالح پایین‌تر. حفظ دین در رتبه اول است و برای حفظ دین باید جهاد کرد و حتی از جان و نفس گذشت. حفظ نفس در مرتبه دوم است و اگر به خطر افتاد، باید عقل را فدای آن کرد. حفظ عقل در مرتبه سوم است و اگر اقتضا کرد، باید به خاطر حفظ نفس، از حفظ عقل خود بگذرد؛ مانند اینکه او را مجبور کنند تا شراب بخورد. همچنین واجب است محافظت بر نسل و اگرچه مستلزم از بین رفتن مال باشد که در مرتبه پایین‌تر از آن قرار دارد. و دلیل سوم این است که مصالح دنیوی که دین آنها را بیان کرده است، طبق ضابطه و خطوط معینی بیان کرده است و بر مبنای کتاب و سنت و قیاس صحیح جلو رفته است و این خودش دلیل روشنی بر این امر است که مصلحت باید مورد تایید دین باشد [Al-Bouti, 2018: 44-61].

نتیجه‌گیری

فقه مصلحت‌محور و فایده‌گرایی قاعده‌نگر دارای اختلافات و تفاوت‌هایی در چارچوب و روش خود هستند. قواعد اخلاقی به عنوان قاعده در نظر گرفته شده‌اند؛ راستگویی یک قاعده اخلاقی است. بر مبنای فایده‌گرایی همیشه باید راست گفت؛ حتی اگر زمانی که دروغ‌گفتن منجر به نتیجه بهتری گردد. این بیان شاید به بیان شاطبی در مقاصد شریعت هم نزدیک باشد که معتقد است تخلف در احاد جزئی موجب ضربه‌زدن به آن قاعده کلی نمی‌گردد. مجازات‌کردن موجب ترساندن دیگران شده و قدرت بازدارندگی دارد. حالا اگر در برخی موارد بازدارندگی نداشت، چه باید کرد؟ به اعتقاد شاطبی باید مجازات صورت بگیرد. اما در فقه مصلحت‌محور بر مبنای مقدم‌بودن مصالح عام بر خاص و اهم بر مهم به گونه‌ای دیگر عمل می‌شود. همچنین، برخی از مثال‌هایی که حکم آنها در شریعت نیامده است و ما با آنها برخورد کرده‌ایم، باید بتوان آنها را به بهترین نحو ممکن پاسخ داد؛ به گونه‌ای که معارض و مخالف با شریعت نباشد (مصالح مرسله). در این مورد میان علمای اسلام اختلاف است. اما بنا بر نظر غزالی با رعایت برخی موارد و نکات می‌توان برای مصالح مرسله هم جایی باز کرد و آن را تایید کرد. غزالی با سه ملاک ضرورت، قطعیت و کلیت مصالح مرسله را معتبر می‌داند. بنابراین در کنار قاعده بودن و رعایت قواعد در قواعد فقهی و فقه مصلحت‌محور، چه بسا در برخی از موارد، این قواعد استثنا خواهند خورد. در کنار آن به بررسی قاعده اولی‌بودن دفع مفسده بر جلب مصلحت با فایده‌گرایی سلبی پرداخته شد و در کنار تبیین هر یک از آن دو، به مقایسه میان آن دو پرداخته شد و در هر دو مورد نیز اشکالاتی بر هر دو مورد وارد شده است که در جای خود مهم بوده و دارای اهمیت است و قاعده مذکور با فایده‌گرایی سلبی مورد بازخوانی قرار گرفت. در کنار موارد بیان‌شده سه تفاوت مهم میان فقه مصلحت‌محور و مکتب فایده‌گرایی قاعده‌محور بیان شد که این سه تفاوت به عنوان نقدی بر فایده‌گرایی قاعده‌محور محسوب می‌گردد. فایده‌گرایان

ملاکات زمانی مصلحت را محدود به این دنیا می‌دانند؛ اما در شریعت اسلام و فقه مصلحت‌محور، مصلح دنیا و آخرت هر دو با هم مد نظر است. به اعتقاد فایده‌گرایان، ارزش و قیمت مصلحت شرعی منحصر در لذت مادی به تنهایی است؛ اما بر مبنای فقه مصلحت‌محور منحصر در لذت مادی و یا این جهانی نیست؛ بلکه لذات معنوی و روحانی و آن جهانی را هم شامل می‌گردد. سوم این که فایده‌گرایان اعتبار دین را فرع بر مصلحت دنیوی می‌دانند؛ اما بر مبنای فقه مصلحت‌محور مصلح دین اساس و پایه مصلح دیگر است و به همین خاطر است که در مقاصد خمسه شریعت ابتدا حفظ دین مد نظر است و سپس موارد دیگر را باید لحاظ کرد.

تشکر و قدردانی: موردی برای گزارش وجود ندارد.

تاییدیه اخلاقی: موردی برای گزارش وجود ندارد.

تعارض منافع: موردی برای گزارش وجود ندارد.

سهم نویسندگان: مشارکت سعید کریمی ۶۰٪ و محمد آقاجانی ۴۰٪ است.

منابع مالی: موردی برای گزارش وجود ندارد.

منابع

- A Group of Writers (2013a). MOALEMATO ZAYED LELGHAVAED AL-FAGHIH VA AL-OSULIAH (Volume 3). Abu Dhabi: Zayed Charitable & Humanitarian Foundation. [Arabic]
- A Group of Writers (2013b). MOALEMATO ZAYED LELGHAVAED AL-FAGHIH VA AL-OSULIAH (Volume 4). Abu Dhabi: Zayed Charitable & Humanitarian Foundation. [Arabic]
- Acton HB, Watkins JWN (1963). Negative utilitarianism. Aristotelian Society Supplementary Volume. 37(1):83-114.
- Al-Bouti MSR (2018). ZAVABET AL-MASLAHA FI SHARIAT AL-ISLAMIA. Lebanon: RISALA Foundation. [Arabic]
- Al-Ghazali AH (2014). AL-MUSTASFA MEN ILM AL-USUL. 3rd edition. Omar AMM, editor. Beirut: DAR AL-KOTOB AL-ILMIYAH. [Arabic]
- Al-Khorasani MK (2022). KIFAYAT AL-USUL. Al-Zarei Al-Sabzewari AA, editor. Qom: Bustan Ketab Publications. [Arabic]
- Al-Risoni A (1997). The goals of religion from Shatabi's point of view. 1st edition. Eslami H, Abhari MH, translators. Qom: Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. [Persian]
- Al-Risoni A (2010). MADKHAL ELA MAQASID AL-SHARIA. 1st edition. Cairo: DAR AL-KALEMAT LELNASHR VA AL-TOZIE. [Arabic]
- Al-Risoni A (2014). MOHAZERAT AL-MAQASID AL-SHARIA. 3rd edition. Cairo: DAR AL-KALEMAT LELNASHR VA AL-TOZIE. [Arabic]
- Al-Shatibi AIIBM (1997). AL-MUWAFQAAT (Volume 2). 1st edition. Al-Salman MIH, editor. Cairo: DAR IBN AFFAN. [Arabic]
- Al-Shatibi AIIBM (2000). AL-ETISAM (Volume 3). 1st edition. Bahrain: MAKTABAT AL-TOWHID. [Arabic]
- Brandt RB (1959). Ethical theory: The problems of normative and critical ethics (Chapter 15). New Jersey: Prentice Hall.
- Driver J (2012). Consequentialism. 1st edition. London: Routledge.
- Driver J (2014). The history of utilitarianism. Stanford: The Stanford Encyclopedia of Philosophy.
- Frankena WK (2013). Ethics. 4th edition. Sadeghi H, translator. Qom: Taha Publications. [Persian]
- Hallaq WB (1997). A history of Islamic legal theories: An introduction to Sunni Usul al-Fiqh. 1st edition. Cambridge: Cambridge University Press.
- Harsanyi JC (1985). Rule utilitarianism, equality, and justice. Social Philosophy and Policy. 2(2):115-127.
- Hobbollah H (2019). FIQH AL-MASLAHAH. 1st edition. Beirut: DAR RAWAFED. [Arabic]
- Ibn Ashour MT (2004). MAGASID AL-SHARIA AL-ISLAMIAH (Volume 2). Ibn Al-Khoja MAH, editor. Qatar: Ministries of Endowments and Islamic Affairs. [Arabic]
- Kant I (2022). Foundation for the metaphysics of ethics. 2nd edition. Ahmadi A, translator. Tehran: Samt Publications. [Persian]
- Masoud MK (2015). The philosophy of Islamic law. 1st edition. Zafari MR, Asghari Aqhamshahdi F, translators. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [Persian]

- Mill JS (2019). Utilitarianism. 8th edition. Mardiha M, translator. Tehran: Ney Publishing. [Persian]
- Mirza Al-Qumi MH (2018). GHAVANIN AL-USUL. 1st edition. Qom: AL AL-BAYT AL-EHYA ALTURAS. [Arabic]
- Mulgan T (2021). An introduction to the understanding of utilitarianism. 1st edition. Khodapanah B, translator. Qom: Taha Publications. [Persian]
- Ouda J (2018). MAQASID AL-SHARIA for beginners. 1st edition. Mahmoudi M, translator. Tehran: Ehsan Publications. [Persian]
- Pojman LP, Fieser J (2011). Ethics: Discovering right and wrong. 7th edition. Boston: Wadsworth Publishing.
- Popper K (2017). The open society and its enemies. 5th edition. Fooladvand I, translator. Tehran: Kharazmi Publications. [Persian]
- Qarzawi Y (2000). Principles of political jurisprudence. 1st edition. Salimi AA, translator. Tehran: Ehsan Publications. [Persian]
- Qarzawi Y (2013). Research on the jurisprudence of the MAGASID AL-SHARIA. 1st edition. Shafeii A, Asaadi SR, translators. Tehran: Ehsan Publications. [Persian]
- Rawls J (2021). A theory of justice. 5th edition. Nouri M, translator. Tehran: Markaz Publications. [Persian]
- Shafer-Landau R (2022). Living ethics: An introduction with readings (modern ethics: Ethical theories). 1st edition. Fanaei A, Abbas Nejad I, translators. Tehran: Soroosh-e Mowlana Publications. [Persian]
- Smart JJC (1956). Extreme and restricted utilitarianism. Philosophical Quarterly. 6(25):344-354.
- Smart RN (1958). Negative utilitarianism. Mind. 67(268):542-543.
- Suyuti JADAAR (1983). AL-ASHBAH WA AL-NAZAER FE AL-NAHV. Beirut: DAR AL-KUTUB AL-ILMIYYAH. [Arabic]
- Taskhiri MA (2010). AL-GHAVAED AL-OSULIAH VALFAGHIH (Taskhiri). Tehran: The World Forum for Proximity of Islamic Schools of Thought. [Arabic]
- Tavakkoli Gh (2023). Consequentialist ethics. 1st edition. Tehran: Negah Moaser Publications. [Persian]
- Warburton N (1999). Philosophy: The basics. 3rd edition. London: Routledge.
- West HR (2013). J. S. Mill. In: Crisp R, editor. The Oxford handbook of the history of ethics. Oxford: Oxford University Press. p. 527-543.

پی‌نوشت

۱. بوطی اسم کتاب خودش را ضوابط المصلحه نام نهاده است و در آن ضابطه‌ها و ملاکات مصلحت را بیان کرده است که ضوابط مصلحت به صورت کلی از نظر بوطی پنج تا است. اول اینکه مصالح باید ذیل مقاصد شریعت مندرج باشد. دوم اینکه مصالح و مفاسد با کتاب قرآن معارضه و تعارضی نداشته باشد. سوم اینکه مصالح و مفاسد با سنت در تعارض نباشد. چهارم اینکه مصالح و مفاسد با قیاس صحیح در تعارض نباشد. پنجم مصلحت مورد نظر موجب از بین رفتن مصلحت اهم و بالاتر نگردد. در همین مورد پنجم هم بر تقدیم مصلحت اهم بر مهم تأکید کرده است و در جایی که مصلحت اهم باشد، مقدم بر مصلحت مهم خواهد شد [Al-Bouti, 2018: 119-275].